

گذری بر

اسرار تولد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

دکتر نهلہ غروی نایینی / ابوالفضل چتری بیدگلی

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس / کارشناس ارشد دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

در این نوشتار سعی شده به اسرار و رازهای تولد بانوی دو عالم، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، از دریچه روایات معصومان علیهم السلام نگاه شود. این مقاله مشتمل بر دو بخش می‌باشد. بخش اول: اسرار قبل از تولد تا زمان تولد (شامل ۷ نکته) و بخش دوم: اسرار، کیفیت و نکات مربوط به حین تولد (شامل ۹ نکته). بنا بر اهمیت و نقش «درخت طوبی» در زمان تولد و ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام، توضیح مختصری در مورد این درخت و ارتباط آن با صدیقه طاهره در پایان بخش اول آورده شده است.

کلیدواژه‌ها: عصاره، حضرت زهرا، بهشت، درخت طوبی.

مقدمه

فاطمه زهرا علیها السلام همچون لیلۃ القدر، حضوری مستمر، کارآمد و تأثیرگذار در همه عرصه‌های هستی دارد و ظرف وجودش ظرف تحقق اراده و مشیت الهی و افاضه فیض ربوبی است. او اگرچه به مثابه «قدر»، قدرش ناشناخته مانده است و باید تأویل حقیقت و کنه وجودش را در قیامت مشاهده کرد، اما به مقدار ممکن و میسر، باید به سراغ این انسان کامل، مکمل و هادی و اسوه ابدی رفت و به او قرب وجودی یافت. فاطمه علیها السلام خود قرآن مجسم و وحی معین و از مفسران و تأویل‌شناسان و راسخان در علم است که مصداق «اولوالعلم»، «اولوالالباب»، «اوتوالعلم»، «اولوالایدی و الابصار»، «اهل تفکر و تذکر»، برهان و عرفان یا عقل و عشق است.

اشرف انبیا، پیامبر خاتم صلوات الله علیه، در هنگام وداعش با سرای خاکی و فانی، نسخه‌ای جاودانه، یعنی قرآن و اهل بیت خویش را، برای تمام دردهای انسانیّت، به جای نهاد و با تمام وجود فرمود: «انّی تارکٌ فیکم الثقلین» تا هرگونه شک و تردید را از اذهان بشریت پاک کند و به ما بگوید که هر نوع تمسکی به غیر این دو مصداق، پناه‌بردن به «أوهنّ البیوت» (عنکبوت: ۴۱) است و نتیجه‌ای جز سقوط در «جُرْفِ هارٍ» (پرتگاهی سست و نرم) (توبه: ۱۰۹) در پی نخواهد داشت.

عصارهٔ بهشت

با توجه به اصطلاح معروف «اهل البیت آدری بما فی البیت»، برای پی‌بردن به راز و رمزهای این خاندان، راهی جز پناه بردن به کلام خود ایشان نیست و بقیّه سخنان و جملات، یار شدن با ظنّ خویش است، و ره بردن به راز لیلۃ قدر و سیر مستودع، تقوای بیرونی می‌طلبد و امداد الهی و برای پای چوبین تقوای ما، کاری است بس سخت و طاقت‌فرسا.

قلم‌زدن در مورد «آمة الله» (کنیز خداوند/ بنده ویژه) (ابن شاذان قمی، ۱۴۰۷ق، ص ۸۷)، اذن الهی می‌طلبد و جرئتی اسداللهی، و خلق را یارای ادراک مقام علمی و عملی فاطمه زهرا علیها السلام نیست و معرفت به کنه شخصیت فاطمه علیها السلام می‌سور احدی نیست؛ که آن انسان کامل را باید انسان کامل بشناسد و بشناساند. از این‌رو، برای پی‌بردن به اسرار عصاره هستی، از کلام رسول‌الله صلی الله علیه و آله و اهل‌بیت آن حضرت کمک می‌گیریم.

در بررسی ابعاد شخصیت «حضرت فاطمه، ولیدة الاسلام» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۱۰۷)، موضوع تولد ایشان یکی از جنبه‌های رازگونه و پیچیده‌ای است که دارای برنامه‌ریزی طولانی بوده است.

همان‌گونه که زندگی کوتاه دنیوی آن بانو هنوز سرشار از ناگفته‌های زیاد است و نامعلوم بودن مدفن شریف او سال‌هاست دل عاشقان را داغدار ساخته، و قدرش همچون قبرش ناشناخته مانده، تولد او نیز سیر غامض و سر به مهری است که فقط نکاتی از آن از طریق سخنان فرزندان بزرگوارش به ما رسیده و برای شنیدن همین نکات هم، ظرف ذهن ما، بسی کوچک و کم‌حجم است.

در این مقاله بر آنیم که اندکی به فضای پُر از عطر یاس تولد شفیعۀ روز جزا، انسیه حوراء، قدمی بگذاریم، به آنها نگاهی بیندازیم، چشم‌هایمان را بر هم نهیم و بار دیگر از اعماق وجود فریاد بزنیم: اللهم صلِّ علی فاطمة و اَیِّها و بَعْلِیها و بَنِیها و السِّرِّ المُستودع فیها.

در مسیر رشد انسان، عوامل مهمی اثرگذارند. مجموع این عوامل باعث می‌شوند فردی در مسیر تکامل قرار گیرد. هرچه این عوامل، از مایه‌های قوی‌تری برخوردار باشند، فرد در ابعاد مادی و معنوی تکامل بیشتری می‌یابد. عوامل وراثتی پدر و مادر، شرایط انعقاد نطفه و تولد، خانواده و تربیت فرد و سرانجام ازدواج، از مهم‌ترین اینهاست.

در بررسی شخصیت افراد برتر، تحلیل عوامل مزبور موجب می‌گردد به جوانب درونی آنها راهی پیدا کنیم. با در نظر گرفتن این نکته، هر چه این افراد در سطح بالاتری قرار گرفته باشند، این عوامل با اهمیت‌تر و پیچیده‌تر می‌گردد و وقتی مسئله مربوط به «دعائم‌الدین» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۹۱)، بزرگان دین و پایه‌ها و ستون‌های اصلی اسلام می‌رسد - که مبحث عصمت برای آنها طرح می‌شود - موضوع حساسیت فوق‌العاده‌تری می‌یابد و نیاز به سندهای محکمی دارد. در مسیر برنامه‌ریزی شده الهی برای تولد حضرت فاطمه علیها السلام، دو بخش قابل بررسی است:

بخش اول: اسرار پیش از تولد تا زمان تولد؛

بخش دوم: اسرار، کیفیت و نکات مربوط به هنگام تولد.

بر اساس حکمت الهی، تولد دختری که تکمیل‌کننده موضوع نبوت و پایه‌گذار مسئله امامت است و به القاب «ام ابیها» و «أُمُومَةُ الْاِثْمَةِ» (همان مُزین شده، نیازمند مقدماتی است که در صورت فراهم نشدن مُقَدِّمات، کار به سرانجام نمی‌رسد و به هدف نایل نمی‌شود.

درباره اینکه خلقت نوری پنج تن آل عبا قبل از آفرینش حضرت آدم علیه السلام صورت گرفته، احادیث فراوانی آمده است (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۳۰۶ / جزایری، ۱۴۰۴ق، ص ۳۹) و همچنین در موضوع خطاب خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام با عبارت «لولا فاطمة لَمَا خَلَقْتُكُمْ» (شریف کاشانی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳ / نمازی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۲۴۳) نیز مسئله جزئی‌تر می‌شود.

در زیارتی، که به نوعی شرح «شجرة النبوة» است این‌گونه آمده: «فَهُمْ شَجَرَةٌ، أَصْلُهَا النَّبِيُّ، فَرْعُهَا الْوَصِيُّ وَ لِقَاحُهَا النُّورُ الْفَاطِمِيُّ» (عاملی کفعمی، ۱۴۰۵ق، ص ۷۳۷)؛ آنها (خاندان پیامبر) درختی هستند که پیامبر صلی الله علیه و آله تنه آن و حضرت علی علیه السلام شاخه آن و نور وجود حضرت فاطمه، بارورکننده درخت نبوت است.

اما در زمینه مقدمات تولد فاطمه علیها السلام در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اختصاصاً مواردی وجود دارد که بسیار قابل تأمل است.

حضرت فاطمه از نسل فردی است که خداوند درباره او فرموده است: «خلقت الاشياء لاجلك و خلقتک لاجلی» (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۰۰/آملی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۵۴۸)؛ همه چیزها را برای تو، و تو را برای خودم آفریدم. در این بیان نورانی عظمت وجودی پیامبر صلی الله علیه و آله به تصویر کشیده شده است، هرچند عقول ما از درک کُنهِ آن ناتوان و عاجز است.

پیامبری که از حیث جسمی و نژادی نیز، به برترین قبیله و تیره اعراب منتسب است و به «نبی قُرشی» (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۸۵) معروف است، وجود نازنین فاطمه علیها السلام را «بِضْعَة» (پاره گوشت) خود می‌داند. (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۰۲/ شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۴/ طبری، ۱۳۸۳ق، ص ۷۰/ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۲۳، ح ۱۷)

۱. اسرار قبل از تولد تا زمان تولد

این موضوعات و نکات، مواردی است که در احادیث بیان شده است و هدف ما در این گفتار، بحث سندی احادیث نیست؛ چراکه پرداختن به آن مجال گسترده‌تر و فرصت دیگری می‌طلبد. غالب این موارد که در احادیثی با مضامین مشترک بیان شده، مورد اعتماد و وثوق علمای شیعه قرار گرفته است. محور کار، حدیثی است که علامه مجلسی آن را با سند مُفَضَّل بن عمر جعفی از قول امام صادق علیه السلام بیان کرده است.

۱-۱. بشارت خداوند به وجود حضرت فاطمه علیها السلام در معراج

پیش از تولد حضرت فاطمه علیها السلام، خداوند در معراج بشارت تولد ایشان را به نبی خاتم داده و فرموده بود: «يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبَشِّرُكَ بِفَاطِمَةَ مِنْ خَدِيجَةَ بِنْتِ

خُوَيْلِدٍ...»؛ ای پیامبر! خداوند [ولادت] فاطمه را از خدیجه دختر خوید به تو بشارت می‌دهد. (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۱۱/مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۱۵۱)

بشارت پیامبر ﷺ به وجود مقدس حضرت فاطمه علیها السلام، آن هم در معراج، خود به تنهایی گویای اهمیت موضوع تولد ایشان است و می‌توان به جرئت گفت: این مسئله، یکی از مسائل حیاتی دنیای اسلام و مسلمانان می‌باشد که می‌بایست از طرف خداوند در آن موقعیت به پیامبر ﷺ نوید داده شود. نکته دیگر در این حدیث این است که خداوند نام مبارک «فاطمه» را نیز پیش از ولادت برای او تعیین کرده است. در مورد نام «فاطمه» وجه تسمیه‌های مختلفی بیان شده؛ از جمله رسول خدا ﷺ فرمود: «لِأَنَّهَا فَطِمَتْ هِيَ وَ شِيعَتُهَا وَ ذُرِّيَّتُهَا مِنَ النَّارِ» (طبری، ۱۳۸۳ق، ص ۱۴۹ و ص ۶۰/اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۴۶۴)؛ زیرا او، شیعیان و ذریه‌اش را از آتش باز داشته و برکنار شده‌اند.

۲-۱. دوری گزیدن پیامبر ﷺ از خدیجه علیها السلام

خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که باید چهل شبانه‌روز از خدیجه علیها السلام دوری گزیند. در بخشی از حدیث آمده است: «النَّبِيُّ ﷺ جَالِسٌ بِالْأَبْطَحِ وَ مَعَهُ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ وَ الْمُنْذِرُ بْنُ الضَّخْصَاحِ وَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ وَ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ حَمْزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِذْ هَبَطَ عَلَيْهِ جِبْرِئِيلُ فِي صُورَتِهِ الْعُظْمَى قَدْ نَشَرَ أَجْنِحَتَهُ حَتَّى أَخَذَتْ مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ فَنَادَاهُ يَا مُحَمَّدُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَ هُوَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَعْتَزَلَ عَنِ خَدِيجَةَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۷۸)

ترجمه: پیامبر ﷺ در ریگزار ابطح با عمار یاسر، منذر بن ضخصاح، ابوبکر، عمر، علی ابن ابی‌طالب علیه السلام، عباس بن عبدالمطلب و حمزه بن عبدالمطلب نشستند. ناگهان جبرئیل در صورت عظیمش بر او فرود آمد؛ بال‌هایش را از مشرق تا مغرب

گسترانیده بود. پس ندا داد: ای پیامبر بزرگوار! خداوند بر تو سلام می‌فرستد و به تو دستور می‌دهد که چهل روز از حضرت خدیجه فاصله بگیری.

در این قسمت از حدیث دو نکته قابل تأمل است:

اول اینکه جبرئیل با هیبت اصلی خود (با بال‌های گسترده) بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد. این مسئله نشان می‌دهد که حامل پیامی بسیار مهم برای پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است؛ همچنان که برای اعلام امر رسالت هم با هیبت کامل بر رسول‌الله صلی الله علیه و آله ظاهر شد. (ر.ک: تفاسیر، ذیل سورة علق)

نکته دوم، واژه «يَا مُرْك» (خداوند به تو دستور می‌دهد) است. این نکته، متضمن این معناست که دستور لازم‌الاجرا و دارای وجوب فوری است؛ چراکه خداوند از عشق فراوان پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه به یکدیگر آگاه بود و می‌دانست چنین دستوری بر آن دو حضرت سنگین و مشقت‌بار است. از این‌رو، در ادامه حدیث آمده است: «فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَ كَانَ لَهَا مُجِيبًا وَ بِهَا وَامِقًا» (همان)؛ پس، آن بر پیامبر صلی الله علیه و آله سنگین و سخت آمد؛ چراکه او عاشق و دل‌باخته همسر وفادار خویش بود. ولی چون دستور، دستور الهی و لازم‌الاجرا بود، پیامبر صلی الله علیه و آله بر انجام آن لحظه‌ای درنگ نکرد و از همان لحظه امر الهی را شروع نمود، بدون اینکه واقعیت امر را به حضرت خدیجه اطلاع دهد. از این‌رو، آن حضرت در روزهای آخر دوره، عمار یاسر را به خدمت خدیجه علیها السلام فرستاد و به او فرمود به خدیجه بگو: «يَا خَدِيجَةُ لَا تَظُنِّي أَنَّ انْقِطَاعِي عَنْكَ [هِجْرَةٌ] وَ لَا قَلِي وَ لَكِنْ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَنِي بِذَلِكَ لِتُنْفِذَ [لِيُنْفِذَ] أَمْرَهُ فَلَا تَظُنِّي يَا خَدِيجَةُ إِلَّا خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لِيُبَاهِي بِكَ كِرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلِّ يَوْمٍ مِرَارًا» (همان)؛ گمان نکن که من از تو بریده و تو را رها کرده‌ام، بلکه پروردگرم برای اجرای آن به من دستور فرموده است. در آن خیر بیندیش؛ خداوند هر روز به وجود تو به بزرگان فرشته‌ها افتخار می‌کند.

لازم به ذکر است که حضرت خدیجه نیز در همین ایام به دستور پیامبر ﷺ در منزل مانده بود و نمونه بارز آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» (احزاب: ۳۳) در این ایام و در تمام عمر بود، و برای دوری پیامبر ﷺ در حزن و نگرانی بود.

۳-۱. روزه گرفتن و قیام و عبادت شبانه در طول مدت چهل شبانه روز

در بخشی از حدیث آمده است: «فَأَقَامَ النَّبِيُّ ﷺ أَرْبَعِينَ يَوْمًا يَصُومُ النَّهَارَ وَيَقُومُ اللَّيْلَ» (همان)؛ پیامبر در این چهل روز، روزه دار بود و در شب به عبادت می پرداخت. او باید چهل شبانه روز، یادآور اربعین میقات حضرت موسی ﷺ (بقره: ۵۱) با تمام مشکلات آن زمان و مسائل روزمره نوپای اسلام، در عبادت و بندگی سپری نماید. مگر چه موضوع مهمی قرار است صورت گیرد؟

نکته مهم و قابل تأمل دیگر اینکه این ایام را پیامبر ﷺ در چه مکانی سپری کرد؟ در حدیث، بیان شده که پیامبر در پیغام خود به حضرت خدیجه ﷺ می فرماید: «فَإِنِّي فِي مَنْزِلِ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ» (همان)؛ یعنی در منزل فاطمه بنت اسد، مادر اسدالله الغالب، امیرالمؤمنین، علی ﷺ، همسر آینده بنت محمد رسول الله ﷺ (در خانه اگر کس است، یک نکته بس است!)

۴-۱. پایان چهل روز، نزول جبرئیل و میکائیل برای تحفه الهی

پس از سپری شدن «فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ»، جبرئیل، فرود آمد و گفت: «يَا مُحَمَّدُ أَلَيْسَ الْأَعْلَى! يُقْرَتُكَ السَّلَامُ وَهُوَ يَا مُرُكَّ أَنْ تَتَأَهَّبَ لِتَحِيَّتِهِ وَتُحْفَتِهِ. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ يَا جِبْرَائِيلُ وَمَا تُحْفَةُ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَمَا تَحِيَّتُهُ قَالَ لَا عِلْمَ لِي...» (همان)؛ ای پیامبر بزرگوار! خداوند به تو درود می فرستد و به تو دستوری می دهد که برای هدیه و تحفه او آماده شوی. پیامبر به او گفت: تحفه پروردگار چیست؟ جبرئیل گفت: من به آن آگاهی ندارم، در

آن وقت، میکائیل فرود آمد و با او ظرفی بود که با پارچه‌ای از سندس [یا استبرق] پوشیده شده بود، آن را جلوی پیامبر گذارد.

در قسمتی از حدیث آمده که جبرئیل در جواب سؤال پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد تحفه الهی، این جمله را بیان کرد: «لا علم لی.» این چه تحفه‌ای بود که جبرئیل، مأمور خبرهای غیبی خداوند، نسبت به ماهیت آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کند؟ همان‌گونه که در زیارتش به آن اشاره شده است: «فاطمة بنت رسول الله و بضعة لحيه و صميم قلبه و فلذة كبده و التحية منك له و التحفة» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۰، ص ۲۰۰، سطر ۱۵)؛ فاطمه دختر رسول خدا، پاره تن او و قوام قلب، پاره جگرش و آنکه هدیه و تحفه پروردگار برای پیامبر بود.

«و لها ليس نواله الا نوال الله عم نواله»؛ برای آن حضرت (زهرا علیها السلام) عطا و بخششی است که بالاتر از آن نیست، مگر عطا و بخشش خداوندی که بخشش او همگانی است. (مستنبط، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۴۲۷)

نزول میکائیل، فرشته رزق و روزی، از نکات قابل تأمل در این موضوع است. فرود دو فرشته برای انجام یک امر الهی، یکی حامل پیام و یکی حامل هدیه الهی، همه عظمت یک موضوع را می‌رساند. قرار است چه اتفاقی بیفتد؟

۵-۱. افطار با غذای مخصوص دربار الهی، معجونی از بهشت

جبرئیل به پیامبر گفت: پروردگار به تو دستور می‌دهد که از این غذا افطار کنی. «كشَفَ الطَّبَقَ فَإِذَا عِدْقٌ مِنْ رُطَبٍ وَ عُنُقُودٌ مِنْ عِنَبٍ فَأَكَلَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله مِنْهُ شِيبَعًا وَ شَرِبَ مِنَ الْمَاءِ رِيًّا وَ مَدَّ يَدَهُ لِلْغَسْلِ فَأَفَاضَ الْمَاءَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ وَ غَسَلَ يَدَهُ مِيكَائِيلُ وَ تَمَنَّدَلَهُ إِسْرَافِيلُ أَرْتَفَعَ فَاضِلُ الطَّعَامِ مَعَ الْإِنَاءِ إِلَى السَّمَاءِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۷۹)؛ ظرف را آشکار ساخت. در آن، خوشه‌ای خرمای تازه و خوشه‌ای انگور بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله از آنها میل فرمودند. بعد از آن، آب نوشید تا سیراب شد. پس اراده

فرمود دست‌های خود را بشوید؛ جبرئیل بر دست‌هایش آب ریخت، میکائیل آن را شست و شو داد و اسرافیل با دستمالی خشک کرد. آنگاه اضافه غذا را با ظرف آن به طرف آسمان بردند.

نکته اول: یکی دیگر از فرشتگان الهی، یعنی اسرافیل، به عنوان یک خدمتکار در این زمان و برای این موضوع حضور یافته است.

نکته دوم: در بخشی از حدیث آمده که حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: روش پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که هنگام افطار به من دستور می‌داد در را باز کنم تا اگر کسی می‌خواست غذا بخورد، وارد شود؛ ولی در آن شب به من فرمودند: کنار در بنشین و کسی را راه نده؛ زیرا خوردن این طعام بر غیر من حرام است. (همان) پس می‌توان گفت: این غذا نه تنها با غذاهای دنیایی بسیار فرق داشت، بلکه در میان مائده‌های الهی نیز غذای مخصوص دربار الهی بود.

نکته سوم: در مورد نوع غذایی که باعث انعقاد نطفه وجود حضرت زهرا علیها السلام در جسم پیامبر صلی الله علیه و آله گردید، چندین نظر بیان شده است:

۱. خرما و انگور (همان)؛
 ۲. سیب بهستی از درخت طوبی (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۵، حدیث ۴ و ۵)؛
 ۳. آمیخته شدن عرق جبرئیل (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲۱)؛
 ۴. خرما به تنهایی (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ص ۴۶۰ / طبرسی، ۱۳۷۲ش، ص ۴۰۸).
- از میان موارد فوق، سیب بهستی از بقیه اهمیت و شهرت بیشتری دارد. از همین روست که در زیارت‌نامه آن حضرت، ایشان را «تفاحة الفردوس و الخلد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۷، ص ۱۹۹، باب زیارت فاطمه علیها السلام) خطاب قرار می‌دهیم؛ یعنی سیب بهشت فردوس و خلد.

اما می‌توان این نکته را نیز عنوان نمود که هر سه مورد یعنی سیب، انگور و خرما از بهشت برای پیامبر صلی الله علیه و آله آمده بود و با توجه به دو نکته، می‌توان بین هر سه میوه جمع نمود:

الف. از مهم‌ترین درختان بهشتی، درخت «طوبی» است. در فرمایش امام رضا علیه السلام خطاب به اباضت آمده است: «إِنَّ شَجَرَةَ الْجَنَّةِ تَحْمِلُ أَنْوَاعًا... وَ لَيْسَتْ كَشَجَرَةِ الدُّنْيَا» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۳۰۶ / جزایری، ۱۴۰۴ق، ص ۳۹)؛ همانا درخت بهشتی انواع میوه‌ها را دارد و مانند درخت دنیایی نیست. بنابراین، درخت طوبی می‌تواند هر نوع میوه‌ای را دربر داشته باشد.

ضمن اینکه در برخی از روایات، نام اختصاصی از میوه برده نشده و فقط اشاره شده که جبرئیل از میوه‌های طوبی به پیامبر صلی الله علیه و آله دادند؛ مانند این حدیث: هنگامی که عایشه به بوسیدن مکرر حضرت فاطمه علیها السلام توسط پیامبر اعتراض کرد، رسول خدا به او فرمودند: «يَا عَائِشَةُ! إِنِّي لَمَّا أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَأَذْنَانِي جِبْرَائِيلُ مِنْ شَجَرَةِ طُوبَى وَ نَاوَلَنِي مِنْ ثِمَارِهَا فَأَكَلْتُهُ فَحَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ مَاءً فِي ظَهْرِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَأَقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ» (قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۲۱ و ۳۶۵ / مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۳۶۴، باب إثبات المعراج)؛ ای عایشه! هنگامی که به معراج رفتم، به بهشت وارد شدم. جبرئیل مرا به نزدیک درخت طوبی برد و از میوه‌های آن به من داد. پس آن را خوردم. خداوند آن را به آبی در پشت من تبدیل کرد و هنگامی که به زمین فرود آمدم در اثر موافقه با خدیجه، به فاطمه باردار گشتم.

ب. خوردن این میوه‌ها در مراحل مختلف صورت گرفته است. در معراج، بحث میوه سیب و درخت طوبی برای پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح شده و بعد از آن، در زمین رطب و انگور، و در جمع باعث ایجاد نطفه آن بانوی اسلام گردیده است و به نظر می‌آید آمیختگی عرق جبرئیل در موقع حمل آن غذا صورت گرفته باشد نه به عنوان یکی از اجزای اصلی.

۶-۱. تعجیل پیامبر ﷺ در مواجهه با حضرت خدیجه رضی الله عنها به امر الهی

پس از آنکه پیامبر از آن غذای بهشتی و الهی خورد، برخاست تا برای نماز آماده شود. جبرئیل او را از نماز خواندن منع نمود و به او فرمود: «الصَّلَاةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَيْكَ فِي وَفَيْكَ حَتَّى تَأْتِيَ إِلَيَّ مِنْزِلَ خَدِيجَةَ فَتُؤَاقِعَهَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ آلَى عَلَيَّ نَفْسِهِ أَنْ يَخْلُقَ مِنْ صُلْبِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً فَوَتَّبَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَيَّ مِنْزِلَ خَدِيجَةَ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۷۹)؛ اکنون وقت نماز نیست، بلکه باید به خانه خدیجه روی و با وی همبستر گردی. خداوند اراده فرمود که امشب از صلب شما فرزندی پاک بیافریند. رسول خدا ﷺ به دنبال این فرمان، فوری به طرف خانه خدیجه روان گردید.

از عبارت «وَتَّبَعَ إِلَيَّ» (پرید، برجست) (خلیل جُر، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۱۶۰) می‌توان فهمید که امر الهی وجوب فوری داشته است و ثانیاً پیامبر ﷺ به خاطر علاقه وافری که به همسر خویش داشت، به محض رخصت الهی برای دیدار حضرت خدیجه رضی الله عنها، به منزل ایشان رفت. و این عشق دو طرفه بود؛ زیرا در حدیث آمده که حضرت خدیجه هنگامی که صدای پیامبر ﷺ را شنید، با شادمانی و خوشحالی فروان در را باز کرد. «قَالَتْ خَدِيجَةُ فُقِّمَتْ فَرِحَةً مُسْتَبْشِرَةً بِالنَّبِيِّ ﷺ وَ فَتَحَتْ الْبَابَ» (همان)

پیامبر ﷺ هر شب طبق عادت، در بدو ورود به خانه، وضو می‌ساخت و دو رکعت نماز مختصر می‌خواند، سپس در بستر قرار می‌گرفت؛ ولی در آن شب ظرف آبی طلب نکرد و برای نماز خواندن آماده نشد و این همان مطلب قبلی، یعنی سرعت و تعجیل در تنفیذ امر الهی را اثبات می‌کند. آری، امر الهی.

۷-۱. احساس بارداری در همان لحظات اول برای حضرت خدیجه رضی الله عنها

در آن شب نورانی، نطفه حضرت فاطمه رضی الله عنها به امر الهی از صلب نبوت به رحم مُطَهَّر منتقل شد و این نکته مهمی بود که در جمله حضرت خدیجه، هویداست؛ اینکه

برخلاف تمام انعقاد نطفه‌ها، حضرت خدیجه از همان لحظه متوجه باردار شدن خود گردید. «فَلَا وَالَّذِي سَمَكَ السَّمَاءَ وَ أَتْبَعَ الْمَاءَ مَا تَبَاعَدَ عَنِّي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى حَسِسْتُ بِثِقَلِ فَاطِمَةَ فِي بَطْنِي» (همان، ج ۱۶، ص ۸۰)؛ سوگند به آنکه آسمان را برافراشت و آب را از چشمه‌ها جاری ساخت، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آن شب از من دور نگردید، مگر اینکه سنگینی حمل فاطمه علیها السلام را در وجود خود احساس کردم.

یکی از بیشترین بحث‌هایی که در مورد حضرت فاطمه علیها السلام مطرح شده است، تناسب ایشان با درخت طوبی است که به جرئت می‌توان گفت: میوه‌های درخت طوبی، اصل و اساس وجود مقدس حضرت فاطمه علیها السلام را تشکیل داده‌اند؛ یعنی عصاره‌ای از بهشت.

نقش درخت طوبی در تولد حضرت زهرا علیها السلام

به دلیل اهمیت موضوع و نقش طوبی در تولد و ازدواج آن حضرت، به توضیح مختصری در مورد طوبی و چند نمونه احادیث آن اشاره می‌گردد.

در زبان هندی و حبشی، طوبی یکی از نام‌های بهشت است. (مصطفوی، ۱۳۶۰ ش، ج ۷، ص ۱۵۲) و اصل ماده آن به معنای «دوری از آلودگی ظاهری و باطنی» است و متضاد آن «خَبْث» می‌باشد. (همان) مرحوم طبرسی در تفسیر خود، ده مورد معنی را در ذیل آن می‌آورد. (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۶، ص ۴۴۷) در مجموع می‌توان گفت: هر کدام از آن موارد به جنبه‌ای از آن اشاره دارد.

واژه «طوبی» به همراه مشتقاتش پنجاه بار در قرآن به کار رفته است. خود این واژه اختصاصاً در آیه ۲۹ رعد آمده است: «طُوبَى لَهُمْ وَ حَسُنَ مَا أَب.»

توصیفات ظاهری «طوبی»

۱. در تفسیر حرف «ط»: «... و أمّا الطّاءُ فَطُوبى لَهُم و حَسَنُ مآبٍ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۳۹، باب المؤمن / حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۳۲۹)
۲. آفریده شدن آن مستقیماً توسط خداوند: «یا محمد: أَخْبَرَنى عَن أربَعَةِ أشیاءَ خَلَقَهُنَّ بَیدِهِ و کَتَبَ التوراةَ بَیدِهِ. قال: صَدَقْتَ» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۴۴)
نیز حدیث: «... أَنَّها شَجَرَةٌ عَرَسَها اللهُ بَیدِهِ» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۴۲۲): آن درختی است که خداوند آن را با دست خود نشانده است.
۳. دمیده شدن روح خداوند در آن: در روایتی آمده است: «نَفَخَ فیها مِن رُوحِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۱۷)، در آن، روح خودش را دمید.
در قرآن، آیه «نُفِخَتْ فیهِ مِن رُوحی» (حجر: ۲۹) اختصاص به آفرینش انسان دارد که در این حدیث جای بسیار تأمل دارد.
۴. دربرگیرنده تمام نعمت‌های بهشتی: از عبدالله بن مسعود از قول پیامبر ﷺ روایت شده است: «تَحْمَلُ كُلُّ نَعیمٍ خَلَقَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لِاهْلِ الجَنَّةِ و انَّ عَلَیها ثَماراً بَعَدِ النجوم...» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۴۲۲)؛ [آن درخت] هر نعمتی را که خداوند - عزوجل - آن را برای اهل بهشت آفریده دربر دارد و بر آن میوه‌هایی است به تعداد ستارگان.
۵. جاری شدن چهار نهر از زیر آن: «... مِنها أربَعَةٌ أَنهارٌ ماءٌ و خَمْرٌ و عَسَلٌ و لَبَنٌ» (همان)؛ از آن درخت چهار نهر از آب و شراب و عسل و شیر سرچشمه می‌گیرد.
این خصوصیت در آیه ۱۵ سوره محمد ﷺ در توصیف بهشت پرهیزگاران آمده است.
۶. دیده شدن شاخه‌های آن از سر دیوارهای بهشت: «و انَّ اغصانَها لُتری مِن وراءِ سُورِ الجَنَّةِ تَنبُتُ بِالْحَلِی...» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۱۷)؛ شاخه‌های آن از دیوارهای بهشت دیده می‌شود که با زیورآلات رشد کرده است.

۷. پوشش اهل بهشت از شکوفه‌های آن: ابن مسلم از رسول‌الله صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «شجره فی الجنه مسیره مئه سنه و ثياب اهل الجنه من اکمامها...» (محمد بن حبان ابوحاتم، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۴۲۶)؛ درختی است در بهشت که مسیری صدساله دارد و لباس اهل بهشت از شکوفه‌های آن است.

۸. از بزرگ‌ترین درختان بهشت و جایگاه اختصاصی پیامبر صلی الله علیه و آله: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إنّ اکبر اشجارها، شجرة طوبی و خیمتی تحتها» (حقی بروسوی، ج ۴ ص ۳۷۵)؛ بزرگ‌ترین درخت بهشت درخت طوبی است و خیمه من زیر آن است.

۹. عظمت و بزرگی آن: «... طوبی فانها شجرة فی الجنه... ولو ان طائراً طار من ساقها لم یبلغ فرعها حتی یقتله الهرم، علی کل ورقة منها ملک یدکر الله و لیس فی الجنه دار، و فیها غصن من اغصانها...» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵۸)؛ طوبی درختی در بهشت است که اگر پرنده‌ای از تنه آن پرواز کند به شاخه‌های آن نمی‌رسد، مگر اینکه پیری او را می‌میراند. بر هر برگ فرشته‌ای است که خداوند را ذکر می‌کند و شاخه‌های آن در تمام خانه‌های بهشتی وجود دارد.

همین مضمون از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده، و نیز فرمود: اگر سواری تیزتک، صد سال در سایه آن رهنوردی کند، از سایه آن خارج نمی‌شود و اگر کلاغی برای رسیدن به اوج آن به پرواز در آید، به انتهای آن نمی‌رسد تا پیر گردد. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۶، ص ۴۴۷)

توصیفات دیگری از آن درخت، از جمله جنس شاخه‌ها، تنه و تعداد شاخه‌ها، در احادیث آمده است. (شاذان بن جبرئیل، ۱۳۶۳، ص ۳۵)

طوبی در مقابل کارها و اعمال ذیل به انسان مؤمن داده می‌شود:

۱. اطعام سه نفر از مسلمانان: (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۰۰)؛
۲. راست‌گویی، امانت‌داری، وفای به عهد، صله ارحام، ترحم به ضعیفان، خوش‌اخلاقی و پیروی از علم (همان، همان، ج ۲، ص ۲۳۹، باب المؤمن)؛

۳. درک فضیلت ماه رمضان و شعبان (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۵۴۲)؛

۴. اختصاص به اُمَّت پیامبر خاتم ﷺ: (طبرسی، [بی تا]، ص ۱۲، باب دوم)؛

۵. حب علی بن ابی طالب ﷺ (طبری، ۱۳۸۳، ص ۳۶)؛

۶. تمسک به امر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زمان غیبت.

مظفر بن جعفر بن مظفر العلوی از امام صادق ﷺ نقل می کند: «طوبی لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا فَلَمْ يَزَعْ قَلْبَهُ بَعْدَ هِدَايَتِهِ» (شیخ صدوق، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۵۸)؛ درخت طوبی از آن کسی است که در زمان غیبت امام قائم ما به امر او توسل و تمسک جوید. پس قلب او بعد از هدایت، منحرف نشود. سپس امام صادق ﷺ طوبی را درختی در بهشت معرفی می کند که اصل آن در خانه علی بن ابی طالب ﷺ است.

طوبی و حضرت فاطمه ﷺ

در مورد تولد حضرت فاطمه ﷺ و کیفیت پیش از آن و همچنین زندگی و ازدواج آن حضرت در ارتباط با «شجره طوبی» احادیثی آمده که به طور گزینشی به چند مورد از آنها اشاره می کنیم تا پرده ای دیگر از حقیقت طوبی و نقش طوبی در تولد آن بانو، برای ما برداشته شود.

پیش تر بیان گردید که پیامبر ماجرای ورود به بهشت و خوردن میوه درخت طوبی و تبدیل آن به نطفه صدیقه کبری را برای عایشه و (زنان دیگر خویش) بیان کرد. در آخر حدیث آمده: «فَكُلَّمَا إِسْتَقْتُ إِلَى الْجَنَّةِ قَبَّلْتُهَا وَ مَا قَبَّلْتُهَا إِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةَ شَجَرَةِ طُوبَى مِنْهَا، هِيَ حُورَاءُ أُنْسِيَّةٌ» (استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۴۰ / مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۵، حدیث ۴ و ۵)؛ پس هر گاه که مشتاق بهشت می شوم او را می بوسم و بوی درخت طوبی را استشمام می کنم. او [حضرت فاطمه ﷺ] فرشته ای با ظاهر انسانی است.

این حدیث بسیار مشهور و معروف است که بیان می‌کند حضرت فاطمه علیها السلام چه تناسبی با درخت طوبی دارد. فاطمه زهرا علیها السلام در حدیثی این‌گونه معرفی شده است: «الصدیقة الكبرى، راحة روح المصطفى، حاملة البلوى من غير فزع ولا شكوى و صاحبة شجرة طوبى» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۳۵۶)؛ صدیقه کبری، آرامش روح پیامبر صلی الله علیه و آله و حمل‌کننده بلاها بدون گله و شکایتی و جزع و فزع، و صاحب درخت طوبی است.

صدیقه طاهره، حضرت فاطمه علیها السلام در خطبه مفاخره خود با همسرش امیرالمؤمنین علی علیه السلام در عباراتی خود را این‌گونه معرفی می‌کند: «انا ثمرة فؤادیه [فؤاد النبى صلی الله علیه و آله] و عضو من أعضائه و غصن من أغصانه... انا اینه سدره المنتهى... انا الشجرة التى تخرج كلها، أعنى الحسن علیه السلام و الحسين علیه السلام». (شاذان بن جبرئیل، ۱۳۶۳، ص ۸۰)؛ من میوه قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و عضوی از اعضای او و شاخه‌ای از شاخه‌های آن هستم. من دختر سدره‌المنتهی هستم. من درختی هستم که میوه‌هایش خارج می‌گردد؛ منظورم امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است.

در مورد ازدواج حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» (رحمن: ۱۹) باید گفت که چون فاطمه زهرا علیها السلام صاحب عصمت بود، کفو او نیز باید صاحب عصمت باشد؛ و مرد غیرمعصوم را بر زن صاحب عصمت راهی نیست. در ازدواج آنها همانند ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام آمده که درخت طوبی از جانب خداوند دستور یافته که دُرهای خود را نثار بهشتیان کند. در اینجا بود که پیک مخصوص، پیدایش حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را در اثر این ازدواج به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نوید می‌دهد: «سَيُولَدُ مِنْهَا وَكِدَانِ سَيَدَا شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَ بِيْهَا تَزَيِّنُ اَهْلُ الْجَنَّةِ» (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۲۹۴ و ۲۹۵)؛ از آن ازدواج، سرور جوانان اهل بهشت متولد خواهند شد که به وسیله آن دو مولود، اهل بهشت تزئین می‌شوند.

صاحب المناقب در مورد درخت طوبی و ازدواج حضرت فاطمه می‌آورد: «نَصَبَ الجلیلُ لجبرئیلَ مینبراً فی ظلِّ طوبی من مُتون زبرجدٍ / شَهِدَ الملائکَةُ الکِرامُ وَ رَبُّهُمْ وَ کَفَى بِهِمْ وَ بِرَبِّهِمْ مِنْ شُهَدٍ / وَ تَنَاءَتْ طوبی علیهم لؤلؤاً وَ زمرُداً مُتتَابِعاً لَمْ یَعْقِدْ / وَ مَلَکُ فاطمةَ الذی ما میثله فی متهم شرفٍ و لا فی منجد.»^۱ (حمیری، ۱۴۲۰ق، ص ۸۸)

در بحث ازدواج حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام علاوه بر درخت طوبی، درخت سدر نیز مأمور نثار کردن درها و یاقوت‌های خود به میمنت این ازدواج شد. «عن جابر بن عبد الله، قال لما زوج رسول الله صلی الله علیه و آله فاطمة علیها السلام من علی علیه السلام أتاه ناسٌ من قریش فقالوا إنک زوّجت علیاً بمهرٍ خسیسٍ فقال ما أنا زوّجت علیاً، و لکن الله عزّ و جلّ - زوّجته...، أوحى الله إلى السّدرة أن انثري ما علیک، و نثرت الدّرّ و الجواهر و المرجان...» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۵۷، مجلس ۱۰)؛ از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده است: هنگامی که پیامبر حضرت فاطمه را به ازدواج امیرالمؤمنین علیه السلام درآورد، گروهی از قریش به نزد وی آمدند و گفتند: شما او را با مهر ناچیزی به ازدواج علی علیه السلام درآوردید. پیامبر فرمودند: من او را به ازدواج علی علیه السلام درنیاوردم، بلکه خداوند آن ازدواج را منعقد کرد و... خداوند به سدره‌المنتهی دستور داد آنچه که دارد بر فاطمه علیها السلام نثار کند، پس آن درّ و جواهر و مرجان خود را نثار نمود.

در تفسیر عیاشی، حدیثی آمده است که مقام زهراى اطهر علیها السلام را این‌گونه بیان می‌کند: «لقد نَحَلَ اللهُ طوبی فی مهر فاطمة علیها السلام و جَعَلَهَا فی دار علی بن ابی طالب علیه السلام» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۱۲)؛ خداوند درخت طوبی را در مهر حضرت فاطمه علیها السلام به او بخشید و آن را در خانه علی قرار داد.

۱. ترجمه: خداوند جلیل در سایه طوبی برای جبرئیل منبری از زبرجد قرار داد. فرشتگان و پروردگار شاهد آن بودند و پروردگار و فرشتگان به عنوان شاهدان برای آن ازدواج کافی هستند. درخت طوبی مرواریدها و زمردهای پراکنده خود را پی در پی نثار آنها کرد. و ازدواج فاطمه علیها السلام در بلندای شرافت و در نجد (سرزمین عربستان) ماندنی ندارد.

عبدالوهاب شعرانی در کتاب **الیواقیت و الجواهر** آورده است: «اگر تو بگویی اصل شجره طوبی در کدام منزل از بهشت است، جواب این است که محیی‌الدین در **فتوحات** و شیخ ابن ابی منصور در رساله خود گفته‌اند: اصل شجره طوبی در منزل علی بن ابی‌طالب است، به سبب اینکه شجره طوبی حجاب مظهر نور فاطمه زهرا علیها السلام است، پس هیچ‌یک از هشت در بهشت، و نه خانه‌ای و نه مکانی به آن درجه نیست، مگر اینکه در آن شاخه‌ای از شجره طوبی است که غالب مردم نمی‌دانند اصل آن در کجاست... و تمامیت این نعمت نیست، مگر به جهت اینکه سر هر نعمتی که در بهشت است و هر نصیبی که در آن به اولیا می‌رسد مُتَفَرِّعٌ از نور فاطمه علیها السلام است. (شعرانی، ۱۳۰۵ق، ج ۲، ص ۲۱۸)

بنابراین، مرتب او را می‌بوسید و می‌گفت: «فَكَلَّمَا اِشْتَقْتُ اِلَى الْجَنَّةِ قَبْلَتُهَا وَ مَا قَبْلَتُهَا اِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةَ شَجَرَةِ طُوبَى مِنْهَا» (استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۴۰)؛ هر گاه که مشتاق بهشت می‌شوم او را می‌بوسم و بوی درخت طوبی را استشمام می‌کنم. نیز جمله «فَإِنَّا إِذَا اِشْتَقْتُ اِلَى الْجَنَّةِ اَدْنَيْتُهَا (فاطمه) فَشَمِمْتُ رِيحَ الْجَنَّةِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۱۵۱)؛ پس من هنگامی که مشتاق بهشت می‌شوم به او نزدیک می‌شوم و بوی بهشت را استشمام می‌نمایم.

حال به وجود حرف «ط» در این واژه‌ها نگاهی بیندازیم: مصطفی، فاطمه، علی بن ابیطالب. ضمن اینکه در نام دیگر ائمه حرف «ط» دیده نمی‌شود. از موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که وی به نقل از پدرانش فرمود: از پیامبر در باره «طوبی» سؤال شد، فرمود: درختی است که اصل آن در خانه من و شاخه‌های آن در خانه‌های اهل بهشت است. سپس بار دیگر از حضرتش سؤال کردند، فرمود: اصل آن در خانه علی است. علت را سؤال کردند. فرمود: خانه من و علی در بهشت، در یک مکان است. (طبرسی، [بی تا]، ص ۱۲، باب دوم) طوبی به وجود هر سه گره خورده است. بار دیگر به حرف «ط» در این آیه دقت کنیم. «إِنَّا أُعْطِينَاكَ الْكُوْثِرَ» (کوثر: ۱). فاطمه کوثر است و

نور خدا «یریدون لیطفئوا نورَ اللهِ یافواهم...» (صف: ۸) راز فاطمه (و السر المستودع فیها)، (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۹، ص ۱۱۶، باب زیارة المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، تا ظهور ناظر طوبی، یعنی حضرت ولیّ عصر (ارواحنا له الفداء) پابرجاست.

۲. اسرار، کیفیت و نکات مربوط به ولادت

در مورد تاریخ تولد حضرت فاطمه علیها السلام اندکی اختلاف وجود دارد، اما از نظر دوست داران و پیروان حقیقی آن حضرت، تمسک به نقل ائمه اطهار علیهم السلام، صحیح ترین و قطعی ترین تاریخ، پنج سال بعد از بعثت در بیستم جمادی الآخر است. در مورد سال های ازدواج و شهادت ایشان چندان مورد اختلاف وجود ندارد؛ یعنی ازدواج در سال اول یا دوم هجرت و شهادت در تاریخ یازدهم هجرت، اما در اینکه حضرت در این وقایع چه سنی داشته اند، مورد اختلاف است و آن به تعیین زمان ولادت ایشان بستگی دارد.

آنچه که مسلم است، ولادت آن حضرت بنا بر روایات بعد از بعثت اتفاق افتاده است «أَنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام وُلِدَتْ بَعْدَ مَا أَظْهَرَ اللَّهُ نُبُوَّةَ أَبِيهَا صلی الله علیه و آله بِخَمْسِ سِنِينَ وَ قُرَيْشٌ تَبْنِي الْبَيْتَ وَ رُوِيَ أَنَّهَا وُلِدَتْ فِي جُمَادَى الْآخِرَةِ يَوْمَ الْعِشْرِينَ مِنْهُ سَنَةَ خَمْسٍ وَ أَرْبَعِينَ مِنْ مَوْلِدِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۷۸)؛ همانا فاطمه علیها السلام بعد از اینکه خداوند نبوت پدرش را آشکار کرد، متولد شد. حضرت فاطمه در سال پنجم در حالی که قریش خانه کعبه را بنا می کرد یا تعمیر می کرد، در روز ۲۰ جمادی الآخر در سن ۴۵ سالگی پیامبر صلی الله علیه و آله متولد شد.

همچنین آمده است: «رُوِيَ أَنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام وُلِدَتْ بِمَكَّةَ بَعْدَ الْمَبْعَثِ بِخَمْسِ سِنِينَ وَ بَعْدَ الْأَسْرَى [الْإِسْرَاءِ] بِثَلَاثِ سِنِينَ فِي الْعِشْرِينَ مِنْ جُمَادَى الْآخِرَةِ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۳۴۸)؛ روایت شده که حضرت فاطمه علیها السلام در مکه، پنج سال بعد از بعثت - سه سال بعد از معراج - در روز بیستم جمادی الآخر متولد شده است.

به نظر قوی، این بازسازی کعبه برای بار دوم بوده است. تاریخ ولادت حضرت فاطمه علیها السلام مسئله بسیار مهمی است؛ چراکه ثبت دقیق این وقایع، مستندات تاریخی را قوی تر می کند و مسئله ازدواج و بخصوص شهادت آن حضرت را نیز دقیق تر و آشکارتر می سازد، و شاید همین اختلاف در ولادت ایشان همانند مخفی بودن قبرش از اسرار الهی باشد. البته ما در این نوشتار در پی اثبات زمان و سال تولد ایشان نمی باشیم. درباره حوادث و رویدادها و نکات زمان تولد ایشان می توان به نکات زیر اشاره نمود:

۱-۲. تکلم حضرت فاطمه علیها السلام با مادر خویش در زمان بارداری

هنگامی که حضرت خدیجه، با پیامبر صلی الله علیه و آله که فردی یتیم و فقیر بود، ازدواج نمود، زنان مکه از او دوری می گزیدند، به او وارد نمی شدند و سلام نمی کردند. از این رو، حضرت خدیجه احساس تنهایی می نمود. «فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ علیها السلام صَارَتْ تُحَدِّثُهَا فِي بَطْنِهَا وَ تُصَبِّرُهَا وَ كَانَتْ خَدِيجَةَ تَكْتُمُ ذَلِكَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَدَخَلَ يَوْمًا وَ سَمِعَ خَدِيجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا يَا خَدِيجَةُ مَنْ يُحَدِّثُكَ قَالَتِ الْجَنِينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَ يُؤْنِسُنِي». (حلی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۲/مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۸۰)؛ زمانی که به فاطمه باردار شد، حضرت فاطمه علیها السلام در بطن حضرت خدیجه با او حرف می زدند و او را به صبر و شکیبایی دعوت می نمودند. حضرت خدیجه حرف زدن فاطمه علیها السلام با خود را از پیامبر صلی الله علیه و آله مخفی می کرد تا اینکه روزی رسول خدا شنید که حضرت با فاطمه علیها السلام صحبت می کنند. فرمودند: با چه کسی سخن می گویی؟ عرض کرد: جنینی که در شکم من است، پیوسته با من حرف می زند و موجب آرامش من می شود. حضرت فاطمه علیها السلام علاوه بر لقب «امّ ابیها»، مادر خود را نیز در حالت جنینی، به صبر و شکیبایی دعوت می نمود.

۲-۲. بشارت به دختر بودن جنین و ادامه نسل با برکت پیامبر ﷺ

توسط آن جنین

پیامبر ﷺ به حضرت خدیجه فرمود: «هَذَا جَبْرَيْلُ يُبَشِّرُنِي أَنَّهَا أَنْثَى وَ أَنَّهَا النَّسَمَةُ الطَّاهِرَةُ الْمُيْمُونَةُ وَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أُمَّةً فِي الْأُمَّةِ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَهُ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۸۰)؛ جبرئیل به من خبر داد که آن جنین دختر است و نسلی پاک و مطهر دارد و خداوند متعال نسل مرا از ذریه او قرار خواهد داد و از نسل او امامانی خواهند آمد که پس از من و بعد از اتمام وحی، خلیفه‌های الهی بر روی زمین خواهند بود.

نکته مهم این قسمت آن است که معمولاً نسل هر فردی از طریق فرزند ذکور وی ادامه می‌یابد و اصطلاحاً به کسی که فرزند پسر ندارد «ابتر» می‌گویند، ولی از رازهای دیگر وجود مقدسه زهرا علیها السلام این است که در آن جامعه جاهلی و دیدگاهی که نسبت به دختر داشتند، نسل برترین انسان جهان هستی از طریق او ادامه می‌یابد و خلیفه‌های الهی از دامن او رشد یافته و زمینه‌ساز سعادت انسانی می‌گردند.

۲-۳. حضور چهار زن برتر جهان هنگام تولد

هنگامی که زمان فارغ شدن و وضع حمل زنی می‌رسد، معمولاً زن‌ها برای کمک به او می‌شتابند؛ ولی هنگامی که حضرت خدیجه علیها السلام به زنان قریش و بنی‌هاشم پیغام کمک فرستاد، آنها با کینه‌ای که از ازدواج خدیجه با پیامبر ﷺ به دل داشتند، از کمک به او سر باز زدند و به یاری او نیامدند. در این هنگام، خدایی که تمام مقدمات و برنامه‌ریزی خود را برای تولد این بانو، آماده و مهیا ساخته بود، رسولان خود را برای یاری فرستاد: «دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ طَوَالَ كَانِهِنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ فَفَزَعَتْ

مِنْهُنَّ فَقَالَتْ لَهَا إِحْدَاهُنَّ لَا تَحْزَنِي يَا خَدِيجَةَ فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ إِلَيْكَ وَنَحْنُ أَخَوَاتُكَ أَنَا سَارَةُ وَهَذِهِ آسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِيَ رَفِيقَتُكَ فِي الْجَنَّةِ وَ هَذِهِ مَرِيْمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ هَذِهِ صَفْرَاءُ [صَفُورَاءُ] بِنْتُ شُعَيْبٍ» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ص ۴۷۵/ طبری، ۱۳۸۳ق، ص ۸/ راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۲۴/ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۸۰)؛ چهار زن بلند قامت و نورانی بر او وارد شدند که بیشتر، زنان بنی‌هاشم بودند. حضرت خدیجه چون آنها را دید ترسید. یکی از آنان گفت: ای خدیجه! ناراحت مباش؛ چرا که ما را پروردگارت به سوی تو فرستاده است. ما خواهران تو هستیم؛ من ساره هستم و ایشان آسیه دختر مزاحم، رفیق تو در بهشت، این مریم دختر عمران و ایشان صفورا دختر شعیب است.

چهار زن برتر جهان، همراه حضرت خدیجه علیها السلام از برای چه امری مأمور شده بودند و کمر به خدمت چه وجودی بسته بودند؟

۴-۲. نورانی شدن خانه‌های مکه و سرتاسر غرب و شرق زمین

«فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ وَ لَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلَّا أَشْرَقَ فِيهِ ذَلِكَ النُّورُ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۸۰)؛ پس هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام پا به عرصه زمین نهاد، نوری عظیم از ایشان بلند شد، تا اینکه به تمام خانه‌های مکه این نور داخل شد و در شرق و غرب زمین جایی از این نور خالی نماند. این همان «مثل نُورِهِ كَمِشْكَاتِهِ» (نور: ۳۵) و «نورُ اللَّهِ» (توبه: ۳۲) است. شکوفه‌ها، شگفت‌زده از طراوات نوزادی شدند که عطر خدا را به همراه داشت و ستارگان، خیره در سیمای طفلی شدند که نور آفریدگار در آن باز تابیده بود و خدیجه شادمان از ولادت دختری که بوی عصمت می‌داد و طعم بهشت داشت.

۵-۲. خوراندن آب کوثر به حضرت فاطمه علیها السلام، شست‌وشو با آن و لباس‌های بهشتی
پس از آنکه حضرت متولد شد، زنی که در مقابل حضرت خدیجه بود، آن نوزاد را گرفت، اندکی از آب کوثر که قبلاً توسط حورالعین آماده گشته بود به او خوراند و در آب کوثر او را شست‌وشو داد و با دو پارچه سفیدرنگ که از شیر سفیدتر و از مشک و عنبر خوش‌بوتر بودند، یکی را بر بدن نوزاد و دیگری را بر سر او بست. (همان)

این نوزاد همان کوثر، حقیقت خیر فراوان است که خداوند وعده‌اش را به پیامبر صلی الله علیه و آله داده بود که: ما به تو کوثر عطا می‌کنیم.

۶-۲. شهادت بر توحید، نبوت و امامت، اولین و آخرین رسالت حضرت فاطمه علیها السلام
نوزاد در بدو تولد خود لب به سخن گشود: «فَنَطَقْتُ فَاطِمَةَ علیها السلام بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ أُمَّي رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَنَّ بَعْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَ أَنَّ وُلْدِي سَيِّدُ الْأَسْبَاطِ ثُمَّ سَلَّمْتُ عَلَيْهِنَّ وَ سَمَّيْتُ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِهَا» (همان)؛ خدای جز الله نیست، پدرم رسول خداست و سرور تمام انبیا. همسرم علی مرتضی علیه السلام، سرور تمام اوصیا و فرزندانم حسن و حسین علیهما السلام سرور تمام بنی‌آدم. سپس نام تک‌تک فرزندان [معصومش] را برد و بر آنها سلام کرد.
اینکه دیگران چه می‌اندیشیدند مهم نیست؛ ما را همین حدیث بس است برای صراط مستقیم. آنهایی که این حدیث را باور ندارند، به سراغ آیات قرآن بروند؛ آن هنگام که حضرت مریم علیها السلام فرزند خود را به روی دست به میان آماج تیر تهمت‌ها و ناسزاها آورد، حضرت عیسی لب به سخن گشود و فرمود: «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا» (مریم: ۳۰)؛ من بنده خدایم، به من کتاب داده است و مرا پیامبر قرار داده

است. حال چگونه این نوزاد سخن نگوید که خود دختر اشرف انبیا و همسر و مادر یازده انسان برتر از عیسی علیه السلام است؟

۷-۲. بشارت اهل بهشت برای تولد حضرت فاطمه علیها السلام

در بخشی از حدیث آمده است که حضرت فاطمه به حورالعین بهشتی لبخند زد: «ضَحِكْنَ إِلَيْهَا وَ تَبَاشَرَتِ الْحُورُ الْعَيْنُ وَ بَشَّرَ أَهْلُ الْجَنَّةِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ علیها السلام» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۸۱)؛ حورالعین و اهل بهشت یکدیگر را برای تولد حضرت فاطمه علیها السلام بشارت گفتند. اینچنین است که خداوند و بهشت به وجود او افتخار می‌کند. «وَ افْتَخَرَ جِبْرَائِيلُ بِكُونِهِ مِنْهُمْ» (همان، ج ۴۳، ص ۱۰۷)؛ جبرئیل از اینکه از آنها (خاندان پیامبر) باشد، افتخار می‌کند.

۸-۲. رشد معجزه‌سان حضرت فاطمه علیها السلام

«كَانَتْ علیها السلام تَنُمِي فِي كُلِّ يَوْمٍ كَمَا تَنُمِي الصَّبِيَّةُ فِي شَهْرٍ وَ فِي شَهْرٍ كَمَا تَنُمِي الصَّبِيَّةُ فِي سَنَةٍ» (همان، ج ۱۶، ص ۸۱)؛ حضرت فاطمه علیها السلام در هر روز به اندازه‌ای رشد می‌کردند که بچه‌های دیگر در ماه به آن اندازه رشد می‌کنند و هر ماه تا به حدی که بچه‌های دیگر در یک سال.

۹-۲. اذان و اقامه گفتن پیامبر صلی الله علیه و آله در گوش فاطمه علیها السلام

از حضرت علی علیه السلام روایت شده: هنگامی که فاطمه علیها السلام متولد شد، پیامبر وارد شد و در گوش راست حضرت فاطمه علیها السلام اذان و در گوش چپ او اقامه گفت، و پیامبر صلی الله علیه و آله با هر کس مانند این انجام داد از شیطان در امان ماند. (همان، ج ۴۳، ص ۲۵۵)

و این تازه آغازی بود برای رازهای پیچیده حضرت فاطمه علیها السلام و ما فقط می‌توانیم بگوییم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ أَبِيهَا وَ أُمِّهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ السَّرَّ الْمُسْتَوْدِعِ فِيهَا بِعَدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ.» و از او بخواهیم: يَا فَاطِمَةُ اِشْفَعِي لَنَا فِي الْجَنَّةِ. لَا تَقْسِ فَضْلَهُمْ لِلْأَنْبِيَاءِ أَجَلٌ فَإِنَّ سَلَامًا نَهُمُ بَعْدَ تَصْغِيرِ سَلِيمَانَ (مستنبط، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۸۲): فضل و برتری آنها را با انبیا قیاس نکن؛ همانا سلمان آنها را اگر (با لفظ) کوچک کنی، سلیمان می‌شود.

نتیجه

حضرت زهرا علیها السلام انسان کاملی است که پدر، مادر و همسرش انسان‌های کامل و برگزیده الهی بودند. سرّ الهی در او به ودیعه نهاده شد و تشکیل نطفه وجود و دوران جنینی ویژه داشت و برای میلادش زنان خاص حضور داشتند و نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن حضرت است. ثمره درخت طوبی در شکل‌گیری وجود مبارکش نقش داشت و بنابراین، او خود برگزیده حق تعالی بود. اگر خداوند درباره حضرت مریم علیها السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ»، درباره حضرت زهرا علیها السلام نیز چنین است.

منابع

• قرآن کریم.

۱. آملی، سیدحیدر؛ تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم؛ تحقیق سیدمحسن موسوی تبریزی؛ ج ۳، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۲۲ق.
۲. ابن شهر آشوب؛ المناقب؛ قم: مؤسسة العلامة للنشر، ۱۳۷۹ق.
۳. اربلی، علی بن عیسی؛ كشف الغمة فی معرفة الأئمة علیهم السلام؛ تبریز: مكتبة بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۴. استرآبادی، سیدشرف‌الدین؛ تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة؛ قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، ۱۴۰۹ق.
۵. بحرانی، سیدهاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۶. جزائری، سید نعمت‌الله؛ قصص الأنبياء و المرسلین؛ قم: مكتبة آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۷. حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ قم: مؤسسة آل‌البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۹ق.
۸. حقی بروسوی، اسماعیل؛ تفسیر روح البیان؛ بیروت: دارالفکر، [بی‌تا].
۹. حلّی، علی بن یوسف بن مطهر؛ العدد القویة لدفع المخاوف اليومیة؛ قم: مكتبة آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ق.
۱۰. حمیری، اسماعیل بن محمد؛ دیوان السيد الحمیری؛ بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۲۰ق.
۱۱. خلیل، جُرّ؛ لاروس؛ ج ۸، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶ش.
۱۲. راوندی، قطب‌الدین؛ الخرائج و الجرائح؛ قم: مؤسسة الامام المهدي (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۴۰۹ق.
۱۳. شاذان بن جبرئیل؛ الفضائل؛ ج ۲، قم: دارالرضی للنشر، ۱۳۶۳ش.
۱۴. شریف کاشانی، حبیب‌الله؛ تفسیر ستّ سور؛ تهران: شمس الضحی، ۱۳۸۳ش.
۱۵. شعرانی، عبدالوهاب؛ اليواقیت و الجواهر؛ مصر: [بی‌تا]، ۱۳۰۵ق.
۱۶. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه؛ أمالی؛ ج ۴، بیروت: المكتبة الإسلامية، ۱۴۰۴ق.
۱۷. _____؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام؛ [بی‌جا]، دار العالم للنشر (جهان)، ۱۳۷۸ق.
۱۸. _____؛ کمال‌الدین و تمام‌النعمه؛ ج ۲، قم: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۵ق.
۱۹. _____؛ معانی الأخبار؛ قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، ۱۴۰۳ق.

٢٠. _____؛ من لا يحضره الفقيه؛ ج ٣، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين في الحوزة العلمية، ١٤١٣ق.
٢١. شيخ مفيد، العكبري البغدادي، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان؛ الإختصاص؛ قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ق.
٢٢. طبرسي، أحمد بن علي بن ابي طالب؛ الاحتجاج؛ مشهد: المرتضى، ١٤٠٣ق.
٢٣. طبرسي، فضل بن حسن (امين الاسلام)؛ مجمع البيان في تفسير القرآن؛ تهران: ناصر خسرو، ١٣٧٢ش.
٢٤. _____؛ إلام الوري بأعلام الهدى؛ ج ٣، قم: دارالكتب الاسلاميه، [بي تا].
٢٥. طبري، عمادالدين؛ بشارة المصطفى لشيعه المرتضى؛ ج ٢، نجف: المكتبة الحيدرية، ١٣٨٣.
٢٦. طبري، محمد بن جرير؛ دلائل الامامة؛ [بي جا]. دار الذخائر للمطبوعات، ١٣٨٣ق.
٢٧. طوسي، ابو جعفر؛ أمالي؛ قم: دار الثقافة، ١٤١٤ق.
٢٨. عاملي كفعمي، إبراهيم بن علي؛ مصباح الكفعمي؛ ج ٢، قم: دارالرضي (الزاهدي)، ١٤٠٥ق.
٢٩. عياشي، محمد بن مسعود؛ كتاب التفسير؛ تحقيق سيدهاشم رسولي محلاتي؛ تهران: چاپخانه علميه، ١٣٨٠ق.
٣٠. فرات كوفي، فرات بن ابراهيم؛ تفسير فرات الكوفي؛ تهران: مؤسسة الطبع و النشر في وزارة الإرشاد الإسلامي، ١٤١٠ق.
٣١. قمي، ابن شاذان، مئه منقبه؛ قم: مدرسة الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ١٤٠٧ق.
٣٢. قمي، علي بن ابراهيم؛ تفسير قمي؛ ج ٤، قم: دارالكتاب، ١٣٦٧ش.
٣٣. كليني، ابو جعفر؛ الكافي؛ ط. الرابعه، طهران: دارالكتب الإسلامية، ١٣٦٥ش.
٣٤. مجلسي، محمداقرا؛ بحار الانوار؛ ج ٤، بيروت: مؤسسة الوفاء، ١٤٠٤ق.
٣٥. محدث نوري؛ مستدرک الوسائل؛ قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ١٤٠٨ق.
٣٦. محمد بن حبان بن احمد ابوحاتم؛ صحيح ابن حبان؛ ط. الثانيه، بيروت: مؤسسة الرساله، ١٤١٤ق.
٣٧. مستنطب، سيد احمد؛ القطره؛ ترجمه محمد ظريف؛ ج ٩، قم: الماس، ١٣٨٧.
٣٨. مصطفوي، حسن؛ التحقيق في الكلمات القرآن الكريم؛ تهران: نشره ترجمه، ١٣٦٠ش.
٣٩. موسوي سبزواري، سيد عبدالاعلي؛ مواهب الرحمان في تفسير القرآن؛ ط. الثانيه، بيروت: مؤسسه اهل بيت (ع)، ١٤٠٩ق.
٤٠. نمازي، شيخ علي؛ مستدرک سفينه البحار؛ تحقيق شيخ حسن نمازي؛ قم: جامعه مدرسين، ١٤١٩ق.